

## اجرای زودهنگام تعهدات قراردادی

محمد باقر پارساپور\* / حمید کبیری\*\*

### چکیده

با انعقاد یک قرارداد ممکن است تعهداتی برای طرفین یا یکی از آنان ایجاد می‌شود. هر تعهدی خواه مورد اصلی قرارداد باشد یا ناشی از شرط ضمن عقد، باید به موقع اجرا گردد. گاه طرفین قرارداد برای اجرای یک تعهد، آجلی را تعیین می‌کنند، که به طور طبیعی و منطقی تعهد باید در سر رسید همان آجل اجرا گردد. ولی این امکان وجود دارد که در شرایطی، متعهد زودتر از موعد مقرر، به اجرای تعهد اقدام کند که از آن به اجرای زودهنگام تعبیر می‌شود. در این مقاله که به بررسی تطبیقی این نوع اجرا پرداخته شده است، نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که چنانچه از مفاد قرارداد یا ماهیت آن و یا از اوضاع و احوال معلوم نشود که شرط آجل به سود چه کسی است ظاهر این است که ذینفع در آجل، متعهد است. بنابراین او می‌تواند تعهد خود را قبل از این که حال شود به اجرا گذارد. در فقه امامیه نظر غالب این است که طرفین از آجل نفع می‌برند که بر اساس آن متعهدانه در پذیرش یا رد اجرای زود هنگام اختیار خواهد داشت.

**کلید واژه:** آجل، اجرای زودهنگام، تعهد، متعهد، متعهدانه

---

\* استاد یار حقوق خصوصی دانشگاه قم، نویسنده مسئول Mb.parsapour@gmail.com

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ وصول: ۹۱/۶/۲۰ - پذیرش نهایی: ۹۲/۶/۱۶

## ۱- مقدمه

ماده ۲۶۴ ق.م. وفای به عهد را به عنوان اولین سبب از اسباب سقوط تعهد معرفی کرده است ولی تعبیر درست آن است که وفای به عهد، وسیله اجرای تعهد است، و سقوط، پدیده ای است که در نتیجه اجرا حادث می شود. نتیجه هر قرارداد به اجرای درست و عادلانه آن بستگی دارد. دو طرف قرارداد نه تنها موضوع تعهد خود را به تراضی معین می کنند، بلکه می توانند شیوه اجرا و زمان و مکان آن را نیز مقرر دارند. مقرراتی که در این زمینه وجود دارد به طور معمول تکمیلی است بنابراین تنها در صورتی بر طرفین تحمیل می شود که آنان بر خلاف آن تصمیمی نگرفته باشند. طرفین می توانند در زمان انعقاد قرارداد، زمان اجرای تعهدات یکدیگر را مشخص نمایند، در این صورت تعهد قراردادی باید در موعد خود انجام گیرد. ولی هرگاه اجلی از سوی طرفین تعیین نشده باشد، متعهد باید فوراً به اجرای تعهد پردازد. البته گاه نیز طرفین در خصوص زمان اجرا را مسکوت می گذارند، اما طبیعت عقد و چگونگی ایفای تعهد ایجاب می کند که اجرای تعهد مدتی به تأخیر افتد. در این مقاله به این موضوع پرداخته شده است که اگر طرفین در زمان انعقاد قرارداد، برای اجرای تعهدات خویش اجلی را معین کرده باشند، آیا این امر صرفاً مانعی است برای متعهدله که نتواند پیش از فرا رسیدن آن، تعهد را مطالبه کند؟ که در این صورت شرط أجل، ارفاقی است برای متعهد، که می تواند با چشم پوشی از آن تعهد خویش را به اجرا گذارد؟ یا این که در اجرای زود هنگام، موافقت متعهدله نیز به دلیل این که او نیز به نوبه خود در شرط أجل ذینفع است لازم است؟ در این مقاله بررسی در این باره به صورت تطبیقی در حقوق ایران، کنوانسیون وین و اصول حقوق قراردادهای اروپا انجام گرفته است.

## ۲- ویژگی های تعهد موضوع بحث

با توجه به این که در اجرای زود هنگام تعهدات قراردادی از تعهدی بحث می شود که اولاً- قراردادی بوده، ثانیاً- مؤجل باشد، و ثالثاً- به نحو تعدد مطلوب باشد

بنابراین ضروری است که در اینجا هر یک از ویژگی های سه گانه یاد شده تبیین گردد تا از این طریق بستر مناسبی برای ورود به بحث اصلی فراهم شود:

## ۲-۱- قراردادی بودن تعهد

هنگامی که از اجرای زودهنگام تعهد قراردادی بحث می شود باید مشخص گردد مراد از تعهد قراردادی چیست؟ تعهد قراردادی از حیث منشأ به دو قسم تقسیم می شود:

۲-۱-۱- تعهد ناشی از عقد: در این مورد تفاوتی نمی کند که تعهد، اثر مستقیم عقد باشد مانند تعهد ضامن در عقد ضمان یا جاعل در عقد جعاله، یا این که اثر غیر مستقیم عقد باشد مانند تعهد به تسلیم عوضین در عقود معاوضی از قبیل بیع و اجاره که در نتیجه تملیک عوضین به وجود می آیند .

۲-۱-۲- تعهد ناشی از شرط ضمن عقد: برای مثال در ضمن عقد بیع شرط فعلی مورد توافق طرفین قرار می گیرد، با این مضمون که طرف خریدار متعهد می شود عملی را برای فروشنده انجام دهد، در اینجا تعهد، اثر اصلی عقد نیست بلکه ناشی از شرط ضمن عقد است.

با توجه به توضیحات بالا باید گفت که بحث در باره اجرای زودهنگام تعهد قراردادی، هر دو نوع تعهد را دربر می گیرد خواه تعهد، ناشی از خود عقد باشد و یا شرط ضمن عقد.

## ۲-۲- مؤجل بودن تعهد

مراد از مؤجل بودن تعهد این است که طرفین در هنگام انعقاد قرارداد برای اجرای تعهد، اجلی را در نظر بگیرند. با این توضیح، أجل قانونی و قضایی از موضوع بحث ما خارج می شود. در أجل قانونی، گذشته از این که قانون تکمیلی است و طرفین می توانند خلاف آن توافق کنند، قانونگذار می خواهد به متعهد ارفاق نماید و یک فرصتی برای اجرای تعهد به او بدهد. این بدان معنی نیست که متعهد قبل از آن موعد نتواند به اجرا بپردازد. در واقع این موعد، حق مطالبه متعهدله را از بین می برد و نه حق

اجرای متعهد را. در أجل قضایی نیز باید گفت اگر متعهد می توانست اجرای تعهد نماید، دخالت مراجع قضایی لازم نبود. أجل قضایی در واقع ارفاقی است از سوی قاضی در حق متعهدی که نتوانسته در موعد مقرر، اجرای تعهد کند. این مهلت ممکن است به دلیل ناتوانی مالی مدیون باشد (ماده ۲۷۷ قانون مدنی) یا رعایت قصد مشترک و تعدیل قرارداد (ماده ۶۵۲ قانون مدنی) (نظریه عمومی تعهدات/ ۱۲۱). طبیعی است که در هر دو صورت متعهد می تواند از این ارفاق صرفنظر کند.

### ۲-۳- به نحو تعدد مطلوب بودن تعهد

تعهد مورد بحث در اینجا تعهدی است که در آن زمان قید تعهد نباشد، یعنی مورد تعهد و زمان مورد توافق به صورت تعدد مطلوب، مورد ملاحظه قرار گرفته باشد، هر چند مطلوب اولیه برای متعهدله، انجام تعهد در زمان مقرر باشد.

### ۳- اقسام أجل به اعتبار ذینفع

با توجه به این که أجل در نظر گرفته شده برای ایفای تعهد ممکن است به سود یکی از طرفین قرارداد یا هر دو باشد بنابراین أجل به این اعتبار را می توان به سه قسم تقسیم کرد:

#### ۳-۱- أجل تنها به سود متعهد یا بدهکار است

شرط أجل به طور معمول به سود بدهکار است تا طلبکار نتواند پیش از فرارسیدن آن، اجرای تعهد را مطالبه کند. در این صورت التزام ناشی از شرط بر طلبکار تحمیل می شود، ولی متعهد یا بدهکار می تواند از امتیازی که دارد صرفنظر کند و دین را پیش از موعد بپردازد (نظریه عمومی تعهدات/ ۱۲۹) ماده ۲۴۴ قانون مدنی، بیان می کند: «طرف معامله که شرط به نفع او شده می تواند از عمل به آن شرط صرفنظر کند، در این صورت مثل آن است که این شرط در معامله قید نشده باشد...». در واقع با توجه به این ماده باید گفت، وقتی طرفین در زمان تشکیل قرارداد، أجلی را برای اجرای تعهد تعیین می کنند، ماهیت این أجل با توجه به طبیعت عارضی آن، نوعی شرط ضمن عقد

است. حال این شرط ضمن عقد اگر تنها به سود متعهد باشد، او می تواند از عمل به آن صرفنظر کند و تعهد را پیش از موعد اجرا نماید. در این صورت اجرا درست است و بر متعهدله لازم است که آن را بپذیرد؛ در غیر این صورت متعهد باید ماده ۲۷۳ قانون مدنی را اجرا نماید. مورد شایع این فرض در قراردادهای وام قرض الحسنه دیده می شود که موعد، تنها به سود بدهکار است. بنابراین در صورتی که أجل تنها به سود متعهد یا بدهکار باشد، اجرای پیش از موعد با توجه به ماده ۲۴۴ قانون مدنی کاملاً درست می باشد.

### ۳-۲- أجل تنها به سود متعهدله یا طلبکار است

گاه ممکن است أجل تنها به سود متعهدله یا طلبکار باشد. برای مثال اگر فروشنده ای تعهد نماید که در تابستان آتی یخ های مورد معامله را تحویل خریدار نماید، اجرای همین تعهد در زمستان سودی برای خریدار ندارد. در این صورت قطعاً متعهد نمی تواند تعهد را پیش از موعد مقرر اجرا نماید، چراکه در اینگونه موارد تحمیل زود هنگام اجرای تعهد بر متعهدله، سبب ورود ضرر به او می شود. لذا اگر متعهد، تعهد را اجرا نماید، هر چند که متعهدله بتواند آن را بپذیرد، اما مکلف به پذیرش آن نیست. این موضوع را می توان از مفهوم ماده ۲۴۴ قانون مدنی نیز دریافت. و اگر متعهدله نپذیرفت شخص متعهد باید در موعد مقرر تعهد را دوباره اجرا نماید. یا فرضی که خریدار کالایی ملتزم می شود تا مدتی آن را استعمال نکند، متعهد خریدار است ولی موعد امکان تصرف، به سود فروشنده مقرر شده است و خریدار حق ندارد آن را نادیده بگیرد.

### ۳-۳- أجل به سود هر دو طرف است

گاه ممکن است از ذکر أجل طرفین قرارداد منتفع شوند. مثلاً اگر یک شرکت هواپیمایی به متقاضیان سفر با هواپیما بلیط بفروشد، در اینجا موعد انجام تعهد به سود هر دو طرف می باشد. در این صورت نه مسافران می توانند زودتر از موعد، خواهان

انجام پرواز شوند و نه شرکت هواپیمایی می تواند پیش از زمان مقرر پرواز را انجام دهد .

حال چنان چه از قرارداد یا از قراین و اوضاع و احوال معلوم نشود که شرط أجل به سود چه کسی است مقتضای اصل چیست؟ آیا باید ذینفع در أجل را متعهد دانست یا متعهدله یا هر دو؟

در قوانین بعضی از کشورها از جمله قانون مدنی اسپانیا چنین فرض می شود که أجل تعیین شده برای اجرای تعهد به سود هر دو طرف است (ماده ۱۱۲۷ ق.م.) در پرتغال نیز وضعیت چنین است مگر این که زمان تعیین شده برای اجرای تعهد قراردادی تنها به سود متعهد در نظر گرفته شده باشد . بر عکس از ماده ۸۱ قانون تعهدات سویس چنین بر می آید که أجل در نظر گرفته شده به سود متعهد است مگر این که اراده مخالف طرفین در این مورد، از شروط قرارداد یا طبیعت آن و یا اوضاع و احوال استنباط شود.

در فقه امامیه بنا بر نظر غالب فقیهان، اصل بر این است که أجل به سود هر دو طرف است. به ویژه این که بعضی از آنان در توجیه عدم امکان الزام فروشنده به قبول ثمن قبل از موعد، ذینفع بودن او را در وجود أجل مطرح نموده اند (المکاسب ۶/۲۱۳). لذا متعهد نمی تواند جز با موافقت طرف مقابل پیش از رسیدن أجل به اجرای تعهد اقدام کند.

در پاسخ به پرسش فوق در حقوق ایران، باید گفت که قانون مدنی در این مورد نصی ندارد. از مفهوم ماده ۶۵۱ ق.م. چنین برمی آید که تعیین أجل تنها وام دهنده را پایبند می کند و مانع از آن نیست که وام گیرنده هر زمان که مایل است بتواند بدهی خود را بردارد. بعضی از استادان حقوق مدنی (نظریه عمومی تعهدات/۱۲۹) نیز با استفاده از ماده ۲۴۴ ق.م. در ارتباط با تعهدات پولی بر این باورند که شرط أجل به طور معمول به سود بدهکار است تا طلبکار نتواند پیش از فرارسیدن آن دین را مطالبه

کند. بنابر این او می تواند از امتیازی که دارد صرف نظر کند و دین را پیش از موعد آن پردازد.

این در حالی است که از مقررات کنوانسیون وین و نیز اصول حقوق قرارداد های اروپا می توان چنین استفاده کرد که أجل تعیین شده فقط برای متعهد در نظر گرفته نشده است بلکه متعهدله نیز در آن ذینفع است.

مطابق با بند ۱ ماده ۵۲ کنوانسیون در صورتی که بایع کالا را پیش از موعد تعیین شده تسلیم نماید مشتری معیر است که آن را قبض نماید یا از قبض آن امتناع ورزد.

نیز به موجب قسمت اول بند ۱ ماده ۱۰۳-۷ اصول حقوق قراردادهای اروپا، طرف قرارداد می تواند اجرایی را که پیش از موعد مقرر صورت گرفته است رد کند.

#### ۴ - اختیار متعهدله در رد یا قبول اجرای زود هنگام

به جز در مواردی که ذکر أجل برای اجرای تعهد قراردادی تنها برای متعهد در نظر گرفته شده یا از قراین این امر معلوم شود، متعهدله را نمی توان به اجرای زود هنگام تعهد وادار کرد. در فقه امامیه، فقیهان معمولاً در مبحث مربوط به بیع نسیه بر این باورند که چنان چه مشتری ثمن را زودتر از موعد مقرر حاضر نموده و قصد تسلیم آن را داشته باشد، بایع در قبض یا عدم قبض آن مختار است. همچنین در موردی که شخص کالایی را به صورت مؤجل می خرد، اگر فروشنده کالا را قبل از موعد معین شده تسلیم نماید، خریدار در قبض و عدم قبض آن اختیار داشته و قبض بر او واجب نیست (مختلف الشیعه/۱۲۷/۵؛ نکت النهایه/۱۵۰/۲؛ الروضه البهیة/۳۳۰/۲؛ جواهرالکلام/۱۱۴/۲۳) و ظاهراً در این مورد اختلاف نظری وجود ندارد بلکه بعضی ادعای اجماع نیز نموده اند (ریاض المسائل/۲۱۹/۸).

در یک جمع بندی از استدلال هایی که فقها در اینباره بیان کرده اند، می توان دلایل زیر را برشمرد:

الف- بعضی در اینباره به تعلق اراده طرفین به اشتراط أجل و ذینفع بودن آن دو در این تأجیل استناد کرده اند. این که اغراض در اینجا یکسان نبوده و هر کدام غرض خاصی را در این مورد دنبال می کنند (الروضه البهیة/۲/۳۳۰)

ب- برخی در بیع سلم، تعجیل در اجرای تعهد مؤجل قراردادی را به مثابه دادن مالی به دیگری از روی تبرع دانسته اند که می تواند نوعی منت گذاری بر متعهدله باشد؛ چیزی که او مجبور به پذیرش آن نیست (تذکره الفقهاء/۱۱/۳۵۳).

ج- بعضی برای اثبات مدعای خود اینطور استدلال کرده اند که در تعهدات مؤجل، أجل از اوصاف تعهد است و وصف به دلیل این که تابع موصوف است به تنهایی قابل اسقاط نیست (ایصال الطالب/۱۶/۴۹).

د- سرانجام این که بعضی چنین گفته اند که اگر مدیون بخواهد با اسقاط أجل تعهد خویش زود تر از موعد دین خود را پرداخت کند این امر امکان پذیر نیست، زیرا أجلی که با عقد لازم ثابت شده است با اراده یک طرف ساقط نمی شود و تنها راه، تراضی دو طرف است (جامع المقاصد/۵/۴۱).

در نقد دلایل فوق می توان گفت که اولاً- هر چند شرط أجل با اراده طرفین ثابت می شود ولی لزوماً این به معنی ذینفع بودن طرفین در أجل نیست، ثانیاً- همیشه این طور نیست که اجرای پیش از موعد امتنان بر طلبکار باشد، چرا که گاه ممکن است مدیون برای رهایی زودتر از بار تعهد، اقدام به ایفای قبل از موعد کند و پذیرش اجرای زود هنگام، منتی از جانب طلبکار بر بدهکار تلقی شود (حاشیه المکاسب/۲/۱۷۸)، ثالثاً- أجل امتیازی است که برای متعهد در مقام اجرای تعهد قراردادی در نظر گرفته شده است و او می تواند از امتیازی که دارد صرف نظر کند بدون این که لازم باشد اصل تعهد را اسقاط نماید، رابعاً- ثبوت أجل به وسیله عقد لازم منافاتی با سقوط آن از طریق اسقاط ندارد. همان طور که شرط خیار که با اراده طرفین و با عقد لازم ثابت شده است بعد از عقد به وسیله مشروط له قابل اسقاط می باشد (جواهرالکلام/۲۳/۱۱۵).

در برابر دیدگاه مشهور فقیهان امامیه که قبول ثمن پیش از موعد را بر فروشنده لازم نمی دانند، محقق اردبیلی (مجمع الفائدة و البرهان/۸/۳۳۴) فرموده است که بعضی از فقیهان چنین توهم کرده اند که قبض ثمن در اینجا بر فروشنده واجب است و در مقام استدلال دیدگاه مزبور، چهار دلیل را ذکر کرده است: اولاً- أجل برای رعایت حال مشتری و دادن فرصتی به اوست نه بایع، و به همین دلیل است که در فروش مال به صورت نسیه، میزان ثمن بیشتر است. و پرداخت زود هنگام ثمن به سود بایع خواهد بود و در روابط تجاری نیز، هدف تحصیل سود بیشتر است، ثانیاً- در فرض عدم اخذ ثمن ممکن است مشتری متضرر شود، ثالثاً- أجل، عدم وجوب اجرا قبل از موعد را ایجاب می کند نه عدم وجوب قبول را، رابعاً- فروش مال در برابر پرداخت مؤجل بدین معنی است که زمان اداء، تا آن زمان موسع است نه این که تعهد فقط باید در آن زمان انجام گیرد، هر چند محقق اردبیلی دیدگاه فوق را به نقد نکشیده است و تنها از تعبیری که از آن کرده است چنین بر می آید که نزد وی مردود است ولی به نظر می رسد که دلایل مزبور نتواند اجرای زود هنگام تعهد قراردادی را توجیه نماید، چرا که نسیه بودن معامله می تواند قرینه بر این باشد که أجل در نظر گرفته شده برای تأدیه ثمن، به سود خریدار است و در مورد این قسم از أجل پیشتر گفته شد که ایفای پیش از موعد منعی ندارد. اما این که با عدم قبول فروشنده مشتری زیان می بیند نیز نمی تواند دلیل قابل تأییدی باشد، زیرا ممکن است فروشنده نیز با قبض ثمن زیان ببیند. علاوه بر این که نمی توان فروشنده را به دلیل متضرر شدن خریدار، ملزم به قبض ثمن نمود. درباره دلیل سوم نیز باید گفت که أجل همان طور که عدم وجوب ادا قبل از موعد را افاده نمی کند مستلزم وجوب قبول هم نیست. و سر انجام این که تشبیه معاملات مؤجل به واجبات موسع نیز تشبیه درستی نیست؛ چه آن که در واجبات یاد شده حسب فرض، مکلف موظف است که واجب را در یک ظرف زمانی معین که وسیع تر از زمان مورد نیاز برای انجام آن واجب است انجام دهد. و این بر خلاف تعهدات مورد بحث است که باید در یک سررسید معین ایفا شود. جالب است بدانیم

که محدث بحرانی (الحدائق الناضره/۱۹/۱۳۱) هم با وجود این که در مجموع دلایل مذکور را نیکو می داند ولی معتقد است که از آنها می توان تنها اولویت قبض را استنباط کرد نه وجوب آن را. زیرا وجوب، حکمی شرعی است که ترک آن مستوجب عقوبت است، بنا براین باید دلیل روشنی بر اثبات آن وجود داشته باشد. و دلایل یادشده صلاحیت تأسیس احکام شرعی را ندارد. شاید به دلیل همین اشکالات باشد که محقق اردبیلی در پایان، تنها قبض ثمن از سوی فروشنده را در صورتی که از این رهگذر ضرری متوجه فروشنده نشود موافق با احتیاط اعلام کرده است؛ احتیاطی که به دلیل استحبابی بودن آن لازم الرعایه نیست.

به لحاظ فقهی هر چند دلایل موافقان و مخالفان امکان اجرای زود هنگام تعهد قراردادی قانع کننده نیست ولی با این حال به نظر می رسد باید دیدگاهی را تأیید کرد که به متعهد این حق را می دهد که بتواند تعهد خود را قبل از حال شدن آن انجام دهد، چرا که در هر قراردادی که در آن برای انجام تعهد، اجلی پیش بینی می شود ظاهر این است که شرط أجل، ارفاقی است برای متعهد در انجام تعهدی که بر عهده گرفته است. البته چنان چه از مفاد قرارداد یا از طبیعت آن ویا از اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد خلاف این امر ثابت شود بالطبع موافقت متعهدله در اجرای پیش از موعد لازم خواهد بود.

در تقویت دیدگاه فوق می توان به کلام محقق طباطبایی (حاشیه المکاسب/۲/۱۷۸) اشاره کرد که او نیز بر این اعتقاد است که در بیع نسیه بر فروشنده واجب است که در تأدیه پیش از موعد ثمن از این حق استفاده کند و بر فروشنده قبول ثمن واجب می باشد.

در حقوق ایران در اینباره که آیا متعهدله می تواند از پذیرش ایفای تعهد قراردادی پیش از موعد خودداری کند یا خیر؟ مقررره ای وجود ندارد. ولی بعضی از استادان (نظریه عمومی تعهدات/۱۳۰-۱۲۹) شرط أجل را به طور معمول به سود بدهکار دانسته و معتقدند که دادگاه می تواند از شیاع مفهوم أجل به سود بدهکار در عرف به عنوان

اماره قضایی استفاده کند. که بنا بر این قول باید به عنوان یک اصل، ایفای زود هنگام تعهد بدون رضایت متعهدله مورد پذیرش قرار گیرد. که در این صورت رویکرد حقوق ایران را باید مغایر با دیدگاه اکثر در فقه امامیه ارزیابی کرد.

شایان ذکر است که بر خلاف قانون مدنی ایران، قوانین داخلی پاره ای از کشورها موضع گیری روشنی در اینباره دارند. برای نمونه در حالی که در قانون مدنی اسپانیا اجرای زود هنگام تعهد قراردادی از سوی متعهدله قابل رد اعلام شده است (ماده ۱۱۲۷ قانون مدنی) و همین رویکرد در حقوق کشورهای پرتغال، استرالیا و انگلیس مورد پذیرش قرار گرفته است. در ایتالیا نیز متعهدله می تواند از قبول تعهد پیش از رسیدن موعد خودداری کند مگر این که ذکر موعد تنها به سود متعهد باشد (The Principles Of European Contract Law /325). در قانون تعهدات سوئیس (ماده ۸۱) متعهد می تواند تعهد خود را قبل از حال شدن آن انجام دهد.

در این خصوص بند ۱ ماده ۵۲ کنوانسیون مقرر می دارد: در صورتی که بائع کالا را پیش از موعد تعیین شده تسلیم نماید، مشتری مخیر است آن را قبض نماید، یا از قبض آن امتناع ورزد.

مقصود از مخیر کردن خریدار این است که از عواقب نامطلوبی که می تواند با تسلیم زودتر از موعد مقرر توسط فروشنده برای خریدار حادث شود، جلوگیری گردد. اگر خریدار مجبور می شد، کالائی را که زودتر تحویل شده است را قبول کند، این اجبار ممکن بود موجب ناراحتی یا مخارج انبار کالا، بیش از آن چه انتظار می رفته است گردد. همچنین در مواقعی که تاریخ پرداخت ثمن وابسته به تاریخ تحویل کالا است، تحویل زودتر از موعد مقرر می تواند موجب اجبار در پرداخت زودتر از موعد مقرر گردد (تفسیری برحقوق بیع بین الملل/۲/۲۳۰). بنابراین با توجه به ماده فوق، از نظر کنوانسیون متعهدله ملزم به پذیرش مبیع قبل از سررسید نیست، بلکه اختیار دارد آن را بپذیرد یا رد نماید. برای رد مبیع نیز دلیل لازم نیست و نیازی به توجیه آن نمی باشد

Uniform Law For International Sales under the United Nations Convention )  
./403

با این حال برخی از نویسندگان (اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران/۲۶۸) در خصوص اجرای زود هنگام، با استناد به ماده ۳۷ کنوانسیون معتقدند که از نظر کنوانسیون، اجرای زود هنگام و پیش از موعد تعهد قراردادی منعی ندارد و در حالی که ماده یاد شده که در بخش دوم تحت عنوان مطابقت کالا و ادعای شخص ثالث آمده، اصولاً در مقام بیان حکم اجرای زود هنگام نیست، بلکه در صدد بیان حکم جبران نقایص بعد از تسلیم پیش از موعد است که در جمع آن با بند ۱ ماده ۵۲ باید گفت که اگر بایع زودتر از موعد کالا را تسلیم کند و مشتری آن را بپذیرد و کالا نقصی داشته باشد، بایع می تواند با رعایت ماده ۳۷ به جبران نقایص بپردازد.

مطابق بند ۱ از ماده ۱۰۳-۷ اصول حقوق قراردادهای اروپا نیز که تحت عنوان اجرای پیش از موعد آمده است به طرف قرارداد اختیار داده شده تا اجرایی را که قبل از زمان مقرر انجام شده است نپذیرد. از دیدگاه بعضی از نویسندگان (The Principles Of European Contract Law and Dutch Law/297 نقل از : اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران/۲۶۷) قاعده فوق در روابط پولی کمی نا عادلانه است. بنا براین بر اساس اصل حسن نیت، در تعهدات پولی اصل بر این است که متعهد می تواند مبلغ مورد نظر را پیش از موعد تعیین شده به متعهدله بپردازد زیرا اصولاً چنین پرداختی، ضرری را به متعهدله وارد نمی سازد مگر این که پرداخت پیش از موعد از نظر بهره و منافع مبالغ، آثاری را به دنبال داشته باشد.

## ۵- استثناء

به عنوان یک اصل، متعهدله ذینفع در أجل در قبول یا ردّ اجرای زود هنگام تعهد مختار است. ولی آیا اصل یاد شده استثناء پذیر هست یا خیر؟ در حقوق ایران در این باره مقررهای وجود ندارد. در فقه امامیه نیز به جز محقق اردبیلی که در فرض

زیان ندیدن فروشنده، قبض ثمن از جانب او را مطابق با احتیاط می دانست، فقیه دیگری به این موضوع اشاره نکرده است، ولی از مطالعه در مقررات کنوانسیون وین و اصول حقوق قراردادهای اروپا می توان مغایرت امتناع از قبول تعهد با اصل حسن نیت را به عنوان استثنائی بر اصل امتناع از قبول پیش از موعد معرفی کرد. با این توضیح که لزوم رعایت حسن نیت در تجارت بین الملل که در بند ۱ از ماده ۷ کنوانسیون وین انعکاس یافته است ایجاب می کند که چنان چه قبول تعهد برای متعهدله متضمن ضرر قابل توجهی نبوده یا منفعت مشروعی در اجرای به موقع تعهد برای شخص مذکور متصور نباشد آن را رد نکند. درست به همین دلیل است که برخی از شارحان کنوانسیون (commentary on the UN ; La vente internationale de merchandises/83 convention on the international sale of Goods/450 نقل از: حقوق بیع بین المللی /۱۳۴) بر این اعتقادند که حسن نیت اقتضا می کند که اگر قبول کالا برای مشتری زحمت و مشقتی به همراه نداشته باشد آن را بپذیرد. در ارتباط با موضع حقوق ایران نیز به نظر می رسد که رد اجرای پیش از موعد در این موارد، نوعی سوء استفاده در مقام اجرای حق محسوب شود (اصل ۴۰ ق.ا.). لازم به ذکر است که بر خلاف کنوانسیون که استثنای یادشده فقط از مقررات کلی آن قابل استنباط است در اصول حقوق قراردادهای اروپا نیز این موضوع به طور صریح مطرح شده است. مستفاد از مفهوم مخالف بند ۱۰۳-۷ این است که در جایی که قبول اجرای پیش از موعد به صورت غیر متعارفی به منافع طرف قرارداد آسیب نرساند وی نمی تواند اجرای مزبور را رد کند. که بعضی از شارحان حکم این قسمت از ماده را مطابق با اصل حسن نیت دانسته اند (The Principles Of European Contract Law/2/324).

## ۶- تأثیر قبول اجرای زود هنگام بر حقوق و تعهدات متعهدله

گفته شد که به عنوان یک اصل، متعهدله ذینفع در أجل، در قبول یا رد اجرای تعهد پیش از موعد آزاد است. حال این پرسش مطرح می شود که چنان چه شخص یاد

شده چنین اجرایی را قبول کند این امر چه تأثیری بر حقوق و تعهدات او خواهد گذاشت. با این مقدمه پاسخ به پرسش یادشده را در دو قسمت ارائه خواهیم کرد.

### ۶-۱- تأثیر قبول اجرای زود هنگام بر حقوق متعهدله

در حقوق ایران در این باره که چنان چه پذیرش زود هنگام مستلزم هزینه برای ذینفع تعهد باشد مثلاً در قرارداد بیع قبول کالا پیش از موعد از جانب مشتری هزینه انبارداری را افزایش دهد آیا او می تواند آن را از متعهد مطالبه کند؟ بحثی نشده است. به نظر می رسد به مقتضای قواعد، بجز در فرضی که متعهدله قبول تعهد را مشروط به پرداخت هزینه از سوی متعهد کند و این مطلب مورد قبول شخص اخیر قرار بگیرد، پاسخ به سؤال مزبور منفی خواهد بود. چه بر حسب ظاهر با این قبولی قرارداد را باید اصلاح شده تلقی کرد. بعضی از شارحان کنوانسیون (حقوق بیع بین المللی/۱۳۵) نیز ضمن این که قبول قبل از موعد را نوعی اصلاح قرارداد دانسته اند امکان اثبات خلاف این فرض را هم ممکن می دانند. به این معنی که امکان دارد ذینفع تعهد آن را بپذیرد و در عین حال قرارداد اصلاح نشود، در این صورت براین باورند که متعهدله حق مطالبه هزینه های یاد شده را از متعهد خواهد داشت. درباره موضع اصول حقوق قراردادهای اروپا باید گفت که در اصول یادشده در ارتباط با هزینه های اضافی که به سبب اجرای پیش از موعد بر ذینفع تعهد تحمیل می شود حکمی پیش بینی نشده است هر چند که بعضی از نویسندگان (اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران/۲۸۵) به اشتباه از حکم ماده ۱۱۲-۷ چنین استفاده کرده اند که متعهد باید از عهده خسارات و هزینه هایی که متعهدله در نتیجه اجرای پیش از موعد متحمل شده است بر آید.

### ۶-۲- تأثیر قبول اجرای زود هنگام بر تعهدات متعهدله

اجرای زود هنگام از سوی متعهد هیچ گونه تأثیری بر زمان توافق شده برای اجرای تعهدات طرف مقابل ندارد. زیرا قبول اجرای پیش از موعد از جانب متعهدله به معنی صرف نظر کردن وی از زمان در نظر گرفته شده برای ایفای تعهدات او نیست. از سوی دیگر دلیلی که بر حلول أجل تعهد دلالت داشته باشد وجود ندارد. بر این

اساس در تعهدات مؤجل متقارن، چنان چه یک طرف زودتر از موعد به تعهد خویش عمل کند حق خودداری از ایفای تعهد برای طرف دیگر تا رسیدن أجل همچنان باقی خواهد بود. مگر این که قرینه ای خلاف آن را ثابت کند. قانون مدنی ایران و کنوانسیون در اینباره مقررّه ای ندارند ولی مطابق بند ۲ ماده ۱۰۳-۷ اصول حقوق قراردادهای اروپا، قبول اجرای پیش از موعد از سوی یک طرف قرارداد تأثیری در زمان معین شده برای اجرای تعهد خود او ندارد.

در بند ۲ از ماده ۸۱ قانون تعهدات سویس در ارتباط با ایفای تعهدات پولی به این نکته اشاره شده است که حق تقلیل بهره، فقط در صورتی وجود دارد که قرارداد طرفین یا عرف آن را اجازه دهد. به نظر می رسد که در حقوق ایران نیز با لحاظ این که أجل در معاملات نسبه، در میزان ثمن تأثیرگذار است، حق تقلیل ثمن در فرض پرداخت زود هنگام آن از سوی مشتری در صورتی امکان پذیر است که توافق طرفین یا عرف آن را اقتضا نماید. در ارتباط با وام ها و تسهیلاتی که از سوی بانک ها و مؤسسات مالی اعتباری به اشخاص اعطا می شود نیز بازپرداخت وام قبل از سر رسید تابع قرارداد فیما بین یا عرف بانکی خواهد بود. شایان ذکر است که در این زمینه کنوانسیون وین و اصول حقوق قراردادهای اروپا حکمی ندارد.

## ۲- رجوع متعهد از اجرای زود هنگام

فرض کنید در یک قرارداد بیع خریداری که می بایست ثمن معامله را درست سه ماه بعد از تاریخ انعقاد قرارداد به فروشنده پرداخت کند مبلغ قرارداد را یک ماه زودتر از زمان توافق شده به فروشنده می پردازد آیا او می تواند مبلغ پرداختی را مسترد دارد یا خیر؟ پاسخ به سؤال مزبور را می توان در دو فرض زیر مورد بررسی قرار داد:

### ۲-۱- اجرای زود هنگام به عمد و با علم

چنان چه متعهد به هنگام اجرا عالماً و عامداً بداند که اجرا زودتر از موعد انجام می گیرد در این صورت به نظر می رسد که امکان رجوع برای او وجود ندارد. زیرا

تأخیر در اجرای تعهد تا رسیدن أجل، حقّ متعهد است که می تواند به اختیار خود آن را اسقاط کند. بنابر این در مثال یادشده، خریدار نمی تواند ثمن داده شده را پس بگیرد.

### ۲-۷- اجرای زود هنگام به اشتباه

در صورتی که ایفای تعهد از روی اشتباه قبل از زمان توافق شده انجام بگیرد متعهد می تواند آن چه را که به طرف دیگر داده مستردّ دارد. چنین ایفایی را نمی توان نوعی اسقاط ضمنی حقّ دانست و آن را به اراده شخص متعهد منتسب نمود. در این مورد تفاوتی نیست بین موردی که ایفای تعهد عمل حقوقی باشد یا عمل مادی و قضایی. چه در فرض نخست قصد انشاء در اثر اشتباه، مخدوش شده و ایفا بلا اثر می گردد، علاوه بر این در فرض مذکور و فرض اخیر، گیرنده به دلیل این که حقّ مطالبه اجرای تعهد پیش از موعد را ندارد استحقاق دریافت چیزی را که از متعهد گرفته، نخواهد داشت.

### نتیجه و پیشنهاد

هر چند در حقوق ایران در مورد اجرای زود هنگام تعهد قراردادی، مقررّه خاصی وجود ندارد ولی بر طبق قواعد کلی می توان گفت که در هر قراردادی، بجز در مواردی که از مفادّ یا ماهیت آن و یا از اوضاع و احوال معلوم شود که اراده طرفین بر خلاف بوده است، ظاهر این است که شرط أجل به سود متعهد، و حقّی است برای او در به تأخیر انداختن اجرای تعهد. بنابراین او می تواند با اسقاط این حقّ، قبل از رسیدن أجل به تعهد عمل کند. بر خلاف حقوق ایران که در اینباره مقررّه خاصی وجود ندارد، در کنوانسیون وین (بند ۱ ماده ۵۲) و اصول حقوق قراردادهای اروپا (ماده ۱۰۳-۷)، حقّ امتناع از اجرای قبل از موعد برای طرف قرارداد پیش بینی شده است. درباره این که آیا قاعده حق امتناع ذینفع تعهد نسبت به ردّ اجرای قبل از موعد، استثناء پذیر هست یا خیر؟ باید گفت که در این مورد در حقوق ایران و کنوانسیون، نصّ خاصی موجود نیست هر چند که شارحان کنوانسیون (با الهام از بند ۱ ماده ۷) معتقدند آنجا که قبول

کالا از سوی مشتری مستلزم زحمت و مشکلی برای او نیست حسن نیت اقتضا می کند که وی تحویل کالا قبل از موعد را بپذیرد. بر عکس از مفهوم مخالف ماده ۱۰۳-۷ اصول چنین بر می آید که اگر قبول اجرای پیش از موعد به طور غیر متعارفی به منافع طرف قرارداد، زیان وارد نکند وی نمی تواند از قبول تعهد امتناع کند. از دیدگاه حقوق ایران نیز باید گفت آنجا که قبول پیش از موعد، مستلزم ضرر غیر متعارفی نبوده و یا منفعت نامشروعی را از طرف قرارداد سلب نکند وی نمی تواند از قبول اجرای زود هنگام خودداری کند (اصل ۴۰ ق.ا.).

سرانجام این که قبول اجرای پیش از موعد علی الاصول هیچ گونه تأثیری بر زمان اجرای تعهدات طرف دیگر نمی گذارد. حکم یاد شده در قانون مدنی ایران و نیز کنوانسیون انعکاس نیافته، ولی در بند ۱ ماده ۱۰۳-۷ اصول حقوق قراردادهای اروپا مورد توجه قرار گرفته است. در پایان با توجه به نتایج حاصله در این مقاله عبارت زیر به عنوان ماده الحاقی به قانون مدنی در مبحث وفای به عهد پیشنهاد می شود:

۱- «متعهد می تواند تعهد خود را قبل از رسیدن أجل انجام دهد مگر این که از مفاد قرارداد یا ماهیت آن و یا اوضاع و احوال معلوم شود که اراده طرفین بر خلاف آن بوده است.

تبصره: اجرای تعهد پیش از موعد از سوی یک طرف بر زمان اجرای تعهدات طرف دیگر مؤثر نیست»

## منابع

- اردبیلی، احمد (محقق اردبیلی)، **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان**، ج ۸، چ ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی ۱۴۰۳ ق.
- انصاری، مرتضی (شیخ انصاری)، **المکاسب**، ج ۶، چ ۱، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.
- بحرانی، یوسف (محقق بحرانی)، **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**، ج ۱۹، چ ۱، قم، موسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۵ ق.

۴۲ ————— مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۵ - شماره ۹ - پاییز و زمستان ۹۲

- جعی عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، **الرّوضه البهیّه فی شرح اللّمعه الدمشقیه**، ج ۲، چ ۲، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۶ق.
- جمعی از نویسندگان، **تفسیری بر حقوق بیع بین المللی**، مهربان داراب پور، ج ۲، چ ۱، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۴.
- حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن (محقق حلّی)، **نکت النهایه**، ج ۲، چ ۱، قم، موسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۲ق.
- حلّی، حسن بن یوسف (علامه حلّی)، **تذکره الفقهاء**، ج ۱۱، چ ۱، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
- \_\_\_\_\_، **مختلف الشیعه**، ج ۱۱، چ ۵، ج ۲، قم، موسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۲ق.
- شعاریان، ابراهیم و ترابی، ابراهیم، **اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران (مطالعه تطبیقی)**، چ ۱، تبریز، انتشارات فروزش، ۱۳۸۹.
- شیرازی، سید محمد، **إیصال الطالب الی المکاسب**، ج ۱۶، چ ۱، تهران، منشورات اعلمی، بی تا.
- صفایی، سید حسین و جمعی از نویسندگان، **حقوق بیع بین المللی**، چ ۱، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- طباطبائی، سید علی (صاحب ریاض)، **ریاض المسائل فی بیان الأحکام بالدلائل**، ج ۸، چ ۱، موسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۲ق.
- طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، **حاشیه المکاسب**، ج ۲، چ ۱، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۸ق.
- عاملی کرکی، علی بن حسین (محقق ثانی)، **جامع المقاصد**، ج ۵، چ ۲، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
- کاتوزیان، ناصر، **نظریه عمومی تعهدات**، چ ۲، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.
- نجفی، محمد حسن (صاحب جواهر)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، ج ۲۳، چ ۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.

17- Honold, John, **Uniform Law for international sales under the 1980 united nations convention**, 3rd ed., boston, 1991.

18- Lando Ole & Beale Hugh (eds), **the principles of European contract law part I and II**, prepared by the commission on European contract law, the Hoge, London, Boston, Kluwer law international, 2000.